



پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی

شاپای الکترونیکی: ۲۵۸۸-۷۵۲۱

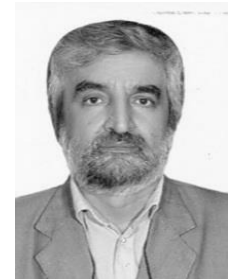
شاپای چاپی: ۲۵۸۸-۴۱۲۳

وبسایت نشریه: www.jflr.ut.ac.ir



هم‌گرایی و واگرایی فعل‌های پیشوندی در زبان‌های فارسی و آلمانی

پرویز البرزی
دانشیار گروه زبان و ادبیات آلمانی
دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی
دانشگاه تهران،
(نویسنده مسئول)



پرویز البرزی دانشیار گروه زبان و ادبیات آلمانی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران.

Email : palborzi@ut.ac.ir



چکیده	اطلاعات مقاله
این جستار به واکاوی مقابله‌ای در فعل‌های پیشوندی زبان‌های فارسی و آلمانی معاصر می‌پردازد. در زبان فارسی، فعل پیشوندی فعلی است که از یک فعل ساده و یک پیشوند ساخته شده باشد. در این زبان با افزودن پیشوند اشتقاقی به فعل‌های ساده، ممکن است معنای فعل پیشوندی عوض شود. در زبان آلمانی، فعل پیشوندی فعلی است که از یک فعل ساده، اسم یا صفت و یک پیشوند ساخته شده باشد. در این زبان با افزودن پیشوند به مبنای اشتقاقی، ممکن است معنای فعل پیشوندی عوض شود و یا تغییر نحوی در ظرفیت آن ایجاد شود. الگوهای معنای واژه‌سازی متنوعی در پیشوندهای فعلی هر دو زبان یافت می‌شود. ضمن اینکه شباهت‌هایی بین نظام فعل‌های پیشوندی دو زبان مشاهده می‌شود، تفاوت‌های آشکاری نیز بین این دو نظام وجود دارد. در هر حال، مؤلفه‌های هم‌گرایی و واگرایی فعل‌های پیشوندی هر دو زبان نسبتاً متعادلند. داده‌ها و یافته‌های اولیه مقاله حاضر برگرفته از منابع شاخص در زمینه واژه‌سازی دو زبان است، اما داده‌ها و یافته‌های ثانویه برآیند پژوهش نگارنده است.	<p>تاریخ ارسال: ۹۸/۰۲/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۹۸/۱۲/۲۵</p> <p>نوع مقاله: علمی پژوهشی</p> <p>کلید واژگان:</p> <p>زبان‌شناسی مقابله‌ای، تقابل، فعل‌های پیشوندی، هم‌گرایی، واگرایی</p>

کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال doi: 10.22059/jflr.2020.281001.626

البرزی ورکی، پرویز. (۱۳۹۹). هم‌گرایی و واگرایی فعل‌های پیشوندی در زبان‌های فارسی و آلمانی. پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی، ۱۰(۱)، ۳۶-۱۹. doi: 10.22059/jflr.2020.281001.626



JOURNAL OF FOREIGN LANGUAGE RESEARCH

Print ISSN: 2588-4123

Online ISSN: 2588-7521

Website: www.jflr.ut.ac.ir



The convergence and divergence of prefixed verbs in Persian and German

Parviz Alborzi

Associate Professor of
German Language,
Faculty of Foreign
Languages and Literature,
University of Tehran,
Tehran, Iran



Parviz Alborzi

Associate Professor of German
Language, Faculty of Foreign
Languages and Literature,
University of Tehran, Tehran,
Iran

Email : palborzi@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article history:

Received 09 th, May 2019

Accepted 23 th, January 2020

Available online April 2020

Article Type Research article

Keywords:

*Contrastive Linguistics, Contrast,
Prepositional Verbs, Convergence,
Divergence*

ABSTRACT

This essay explores the contrast between prefixed verbs of contemporary Persian and German. In Farsi, the prefixed verb is made up of a simple verb and a prefix. In this language, by adding derivative prefixes, the meaning of the prefixed verb may change to simple verbs. In German, the prefixed verb is made up of a simple verb, noun or adjective and a prefix. In this language, by adding a prefix by derivation, the meaning of the prefixed verb may be changed or its syntactic valence. Various word-formation meaning patterns are found in the verbal prefixes of both languages. While there are some similarities between the prefixed verb systems of these languages, there are also obvious differences between the two systems. However, convergence and divergence components of the prefixed verbs of both languages are relatively balanced. Data and preliminary findings of the present article are taken from index sources in the field of bilingualism, but the secondary data and findings are the results of the author's research.

DOI: [10.22059/jflr.2020.281001.626](https://doi.org/10.22059/jflr.2020.281001.626)

© 2020 All rights reserved.

Alborzi Varki, Parviz. (2020). Convergence and divergence of prefixed verbs in Persian and German. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (1), 19-36. doi: [10.22059/jflr.2020.281001.626](https://doi.org/10.22059/jflr.2020.281001.626)

۱. مقدمه

هیچ‌گونه پژوهشی راجع به این موضوع انجام نشده و بنابراین بحث حاضر کاملاً بدیع و تازه می‌نماید.

زبان‌شناسی مقابله‌ای، یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی است که در آن مقولات دو زبان متفاوت در تقابل قرار می‌گیرند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها آشکار شوند. در این راستا ممکن است مشتقات فعلی و یا به صورت محدودتر فعل‌های پیشوندی دو زبان مورد بررسی تقابلی قرار گیرد. در زبان فارسی مشتقات فعلی تنها با فرایند فعل‌های پیشوندی شکل می‌گیرند و فعل‌های پسوندی هرگز وجود ندارند. برای این‌که زبان‌آموزان زبان آلمانی درک درستی از فعل‌های پیشوندی دو زبان داشته باشند، ضروری است که از جمله پیشوندهای فعلی دو زبان حداقل در یک مقاله به صورت منسجم مورد بحث و بررسی و مقایسه قرار گیرد. اصولاً یکی از اهداف نویسنده از نگارش مقاله حاضر، واکاوی این نکته است که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین فعل‌های پیشوندی دو زبان وجود دارد. البته هدف اصلی از تدوین آن دستیابی به تفاوت‌های فعل‌های پیشوندی زبان فارسی از فعل‌های پیشوندی زبان آلمانی است. برای این منظور پیشوندهای فعلی دو زبان از منظر الگوهای معنای واژه‌سازی نیز مورد کنکاش قرار می‌گیرند. شایان توجه است که تنها پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی مورد توجه قرار می‌گیرند و تقابل سایر پیشوندهای فعلی در پژوهش حاضر غایب است. نگارنده بر آن است تا کلیه جوانب و حواشی پیشوندهای فعلی و اشتقاق‌های ناشی از آن را در دو زبان مورد واکاوی مقابله‌ای قرار دهد. در مقاله حاضر مبنای مقایسه پیشوندهای فعلی زبان فارسی است که در مقابل پیشوندهای فعلی زبان آلمانی مطرح می‌شوند. خواننده در هر مورد با شواهد تازه‌ای آشنا می‌شود و کماکان در هر مرحله از تحقیق با تحلیل زبان‌شناسانه‌ای مواجه می‌گردد. شواهد و داده‌های اولیه دو زبان از منابع ثانویه اقتباس شده، ولی تحلیل و بررسی تقابلی داده‌های دو زبان حاصل پژوهش حاضر است. در باره پیشینه تحقیق، نگارنده رجای واثق دارد که تاکنون

۲. بحث و بررسی

در این جستار، مهمترین الگوهای معنای واژه‌سازی در مشتقات فعل‌های پیشوندی واکاوی و بررسی می‌شوند. منظور از معنای واژه‌سازی (word-formation meaning) نوعی رابطه معنایی است که بین پیشوند و ستاک فعل پیشوندی حاکم است. ممکن است یک پیشوند خاص در فعل‌های پیشوندی مختلف دارای یک یا چند معنای واژه‌سازی باشد. الگوهای معنای واژه‌سازی در فعل‌های پیشوندی که مبنای نظری این پژوهش را پوشش می‌دهند، عبارتند از:

* معنای واژه‌سازی آغازین و غایی: فعل‌های آغازین (ingressive) و غایی (resultative) بیانگر مراحل کنش به‌شمار می‌روند: فعل آغازین؛ بیانگر ورود یا دخول یک کنش و فعل غایی یا سرانجامین؛ بیانگر اجرای کامل یک کنش و یا پایان یک رخداد است.

* معنای واژه‌سازی مکانی: فعل‌های مکانی دارای سمت و سوی کنش‌اند.

* معنای واژه‌سازی سهو و خطا: فعل‌های سهوی بیان‌کننده نوعی خطا یا کنش معکوسند.

* معنای واژه‌سازی متضاد: در فعل‌های متضاد (reversative)، فعل پیشوندی در تضاد با فعل ساده عمل می‌کند.

* معنای واژه‌سازی شدت: فعل‌های شدتی بیانگر شدت کنش‌اند.

* معنای واژه‌سازی ضعف: فعل‌های رخوت و سستی بیانگر ناتوانی کنش‌اند.

۱.۲. فعل‌های پیشوندی زبان فارسی

* معنای واژه‌سازی انهدام و تباهی: فعل‌های انهدامی بیانگر کنش کاملند که در آن چیزی به شدت ضربه می‌بیند و منهدم می‌شود.

* معنای واژه‌سازی انحراف از معیار: فعل‌های انحراف از معیار، گویای نوعی کنش افراطی هستند.

* معنای واژه‌سازی کنشگر: فعل‌های کنشگر (agentive) یا بانی کنش (originator) بیان‌کننده عامل کنش‌اند.

* معنای واژه‌سازی افزودگی: در فعل‌های افزودگی پدیده مجردی را به کسی نسبت می‌دهیم، یا معنای مبنای اسمی به فعل پیشوندی افزوده می‌شود.

* معنای واژه‌سازی آراستگی: در فعل‌های آراستگی (ornative) چیز ملموسی به مبنای اسمی مجهز می‌شود.

* معنای واژه‌سازی زدایش: در فعل‌های زدایشی (privative) چیزی از مبنای اسمی می‌زداییم یا پاک می‌کنیم.

* معنای واژه‌سازی سببی: در فعل‌های سببی، کسی یا چیزی را به مبنای اسمی منتسب و تبدیل می‌کنیم.

* معنای واژه‌سازی ابزاری: در فعل‌های ابزاری چیزی را به کمک مبنای اسمی انجام می‌دهیم.

* معنای واژه‌سازی تکرار یا دوبارگی: در فعل‌های تکراری کنشی دوباره تکرار می‌شود.

ابتدا به تحلیل فعل‌های پیشوندی این دو زبان به طور جداگانه می‌پردازیم و سرانجام داده‌های زبانی را در تقابل قرار می‌دهیم و یافته‌های موجود را واکاوی می‌کنیم:

فعل‌های زبان فارسی به‌اعتبار ساختاری به‌چهار گروه ساده (خوردن)، پیشوندی (برداشتن)، مرکب (پس گرفتن) و پیشوندی مرکب (سر باززدن = خودداری کردن) دسته‌بندی می‌شوند. همچنین گروه پنجمی موسوم به فعل‌های گروهی در زبان فارسی یافت می‌شود که با گروه‌های حرف اضافه‌ای همراهند مانند *از دست رفتن* و *به‌زبان درآمدن* (ارژنگ ۱۶۱-۱۶۳). در تمامی مثال‌های ارژنگ (همانجا) این گروه‌های حرف اضافه‌ای فقط با حروف اضافه واقعی *از* و *به* همراهند.^۱ در فعل‌های پیشوندی هنگامی که فعل صرف می‌شود، واژه‌های دیگر یا اجزای صرفی بین دو جزء فعل، یعنی پیشوند و فعل ساده جای می‌گیرد، مانند *باز خواهد گشت*، *باز می‌گردد*.

فعل پیشوندی فعلی است که از طریق فعل ساده و پیشوند اشتقاقی^۲ ساخته می‌شود. با افزودن پیشوند اشتقاقی معنای فعل ساده تا حدودی تغییر می‌کند (وحیدیان کامیار و دیگران ۵۶-۵۷). این روش واژه‌سازی یکی از مختصات زبان‌های هندواروپایی است که بیانگر قابلیت زبانی این زبان‌هاست.^۳ پیشوند در فعل‌های پیشوندی اغلب بیان‌کننده مفهوم جهت و سمت حرکت و گاهی بیانگر تقویت معنا، تأکید بر وقوع کنش و یا ایجاد معنای جدید در فعل مشتق است. پیشوندهای زبان

^۱ حروف اضافه اولیه یا واقعی عبارتند از *از*، *به*، *بر*، *در* و *با* (البرزی ۱۴۰).

^۲ در فعل‌های زبان فارسی افزون بر پیشوندهای اشتقاقی، پیشوندهای تصریفی مانند *می*- و *ب*- در *می‌روم* و *بروم* نیز به‌کار می‌رود.

^۳ برای نمونه در زبان انگلیسی هر یک از پیشوندهای زیر و امثال آن معنای جدیدی به فعل ساده می‌افزاید:

re, trans, de, com/con/co/col, sub, out, ex, in, en, up

افراشتن	(۲-الف)	بر پاکردن،
برافراشتن	(۲-ب)	بر پاکردن،
شمردن	(۲-ج)	حساب کردن
برشمردن	(۲-د)	حساب کردن،

فارسی بیشتر دارای مشخصه فعلی‌اند، حکم قید را برای فعل دارند و بیان‌کننده معنای جهت و حرکت فعل و گویای مفاهیمی چون بالا، پایین، پس و پیش‌اند. این کارکرد قیدی پیشوند در پیوند با فعل پربسامدتر از سایر کاربردها، همانند کارکرد اسمی و یا صفتی، می‌باشد (طاهری ۱۱۵). پیشوندهای فعلی بر-، در-، باز-، فرا-، و- و فرو- عمدتاً کارکرد قیدی دارند (همان‌جا ۱۱۶).

چنانچه معانی واژه‌سازی در فعل‌های پیشوندی زبان فارسی را واکاوی نماییم، پی خواهیم برد که در (۳-الف) یا (۳-ب) با فعل آغازین، ولی در (۳-ج) یا (۳-د) با فعل غایی مواجه هستیم. پیشوند در- به فعل‌های پیشوندی (۳-الف) و (۳-د) معنای تازه‌ای می‌بخشد، ولی در فعل پیشوندی (۳-ج) معنای فعل ساده را تقویت و تأکید می‌کند (طاهری ۱۲۷).

انواع پیشوندهای فعلی رایج در زبان فارسی معاصر شامل تکواژهای اشتقاقی بر-، در-، باز-، فرا-، فرو-، و- و ور- هستند (البرزی ۷۱-۷۲). با این حال طاهری (۱۲۹) بر این باور است که پیشوند بر- در زبان گفتاری به صورت ور تلفظ می‌شود. چنانچه هر یک از این تکواژها در آغاز فعل ساده قرار گیرد، ساخت جدید فعل پیشوندی نامیده می‌شود. ممکن است این تکواژها در معنای فعل ساده تأثیر بگذارد و معنای فعل پیشوندی تغییر نماید، مانند تفاوت معنایی بین (۱-الف) و (۱-ب) یا بین (۱-ج) و (۱-د).

معنا:	فعل پیشوندی:	
حمله‌ور شدن،	درافتادن	(۳-الف)
نزدیک شدن،	فرارسیدن	(۳-ب)
پیمودن،	درنوردیدن	(۳-ج)
مردن،	درگذشتن	(۳-د)

سایر معانی واژه‌سازی در فعل‌های پیشوندی زبان فارسی کنشی را در رابطه با معنای ستاک فعل بیان می‌کنند که حاوی مفاهیم زیرند:

* مفهوم مکانی: فعل‌های پیشوندی در (۴-الف تا ۴-ج) جهت حرکت را مشخص می‌کنند.

معنا:	فعل پیشوندی:	
بلند شدن،	برخاستن	(۴-الف)
پایین رفتن،	فرورفتن	(۴-ب)
بیرون آوردن،	درآوردن	(۴-ج)

فعل ساده/پیشوندی:	معنا:
انداختن	پرتاب کردن،
برانداختن	از میان بردن،
افتادن	سقوط کردن،
برافتادن	از میان رفتن،

گاهی نیز فعل ساده و فعل پیشوندی به یک معنا به کار می‌روند، یعنی به اعتبار هم‌زمانی تغییر معنایی در فعل پیشوندی ایجاد نمی‌شود، مانند هم‌معنایی بین (۲-الف) و (۲-ب) یا بین (۲-ج) و (۲-د).

فعل ساده/پیشوندی: معنا:

(۸-ب) برانگیختن^۱ تحریک کردن،

* مفهوم تکرار: فعل‌های پیشوندی در (۵-الف) و یا (۵-ب)

کنش‌های تکراری را بیان می‌کنند.

* مفهوم زدایش: در فعل‌های پیشوندی (۹-الف و ۹-ب) چیزی را از مبنای اشتقاق می‌زداییم.

معنا:	فعل پیشوندی:	معنا:	فعل پیشوندی:
	بازآمدن	دوباره آمدن،	(۵-الف)
	برگشتن	مراجعت کردن،	(۵-ب)
معنا:	فعل پیشوندی:	معنا:	فعل پیشوندی:
	ورآمدن	ورآمدن	(۹-الف)
کننده/جدا شدن،			
	برگرفتن	برگرفتن	(۹-ب)
جدا کردن،			

* مفهوم انهدام: فعل پیشوندی در (۶-الف) و یا (۶-ب) بیان-

کننده نابودی است.

جدول (۱) از وحیدیان کامیار و دیگران (۵۶-۵۷) و نیز نوبهار (۱۶۰) اقتباس شده است که حاوی تغییرات جزئی از سوی نگارنده است. در جدول (۱) مفهوم پیشوند در پیوند با ستاک فعل تبیین می‌شود.

معنا:	فعل پیشوندی:	معنا:	فعل پیشوندی:
	برچیدن	از میان بردن،	(۶-الف)
	ورافتادن	از بین رفتن،	(۶-ب)

جدول (۱)

* مفهوم ضعف: فعل پیشوندی در (۷-الف) و یا (۷-ب)

گویای سستی و ناتوانی است.

فعل پیشوندی:	ستاک ماضی:	پیشوند:	مفهوم پیشوند در پیوند با فعل:
بازگشتن، برگشتن	گشت	باز، بر	تکرار
فروخوردن/بردن/دادن	خورد	فرو	پایین
برآوردن، بازآوردن	آورد	بر، باز	بالا
درغلتیدن، فروغلتیدن	غلتید	در، فرو	درون
فراگرفتن، فراخواندن	گرفت	فرا	پیش

معنا:	فعل پیشوندی:	معنا:	فعل پیشوندی:
	وارفتن	سست و بی‌حال شدن،	(۷-الف)
	درماندن	عقب ماندن،	(۷-ب)

* مفهوم سببی: فعل پیشوندی در (۸-الف) و یا (۸-ب)

گویای علت کنش است.

ارژنگ (۱۵۳-۱۵۵) گونه‌های فعل‌های پیشوندی اشتقاقی زبان فارسی معاصر را به گونه دیگری دسته‌بندی می‌نماید: در جدول (۲) نمونه فعل‌های پیشوندی لازم و متعدی با تمامی انواع

معنا:	فعل پیشوندی:	معنا:	فعل پیشوندی:
	واداشتن	وادار کردن،	(۸-الف)

پیشوندهای اشتقاقی به کار می‌رود. کم‌بسامدترین نوع، فعل‌های پیشوندی لازم همراه با متمم اجباری است.

جدول (۲)

پیشوند اشتقاقی:	فعل لازم:	فعل متعدی:	فعل متعدی با متمم اجباری:	فعل لازم با متمم اجباری:
بر-	برخاستن	برداشتن		
باز-	بازآمدن	بازیافتن	بازداشتن	
در-	درماندن	دریافتن		درآویختن/درافتادن
فر-	فرارسیدن	فراخواندن	فراگرفتن	
وا-	وارفتن	وازدن	واداشتن	
ور-	ورآمدن	ورکشیدن		وررفتن
فرو-	فروریختن	فروخوردن	فروکردن	فروماندن

شکل گفتاری با حروف اضافه اولیه یا واقعی هم‌آویند (البرزی ۱۴۰). این دو تکواژ در صورتی حرف اضافه تلقی می‌شوند که قبل از گروه اسمی به کار روند. بنابراین حرف اضافه هرگز در ابتدای فعل ساده قرار نمی‌گیرد، اما ممکن است قبل از فعل-های پیشوندی به کار رود، مانند حرف اضافه در در فعل پیشوندی در برگرفتن (همان‌جا ۷۲).

این در حالی است که زبان فارسی فاقد پسوند فعلی اشتقاقی است و در نتیجه فعل‌های پسوندی در این زبان وجود خارجی ندارند. اصولاً شمار انواع پیشوندهای فعلی و غیر فعلی در زبان فارسی به مراتب کمتر از انواع پسوندهاست: تعداد انواع پیشوندها (۲۰ نوع) یک سوم انواع پسوندها (۶۰ نوع) می‌باشد. در ساخت فعل‌های پیشوندی زبان فارسی، مبنای فعلی تنها از منظر معنایی تغییر می‌کند، از منظر نحوی پیشوندهای فعلی تغییری در ظرفیت مبنای فعلی ایجاد نمی‌کنند.

پیشوندهای فعلی در زبان فارسی معاصر زایا نیستند و تنها با فعل‌هایی به کار می‌روند که در گذشته زبان فارسی رایج بوده‌اند. در مواردی کاربرد فعل ساده، یعنی بدون پیشوند اشتقاقی، در فارسی کنونی متداول نیست، مانند: خاستن از فعل پیشوندی برخاستن (وحیدیان کامیار و ژرژ دیگران ۵۷). پیشوندهای اشتقاقی از دوره باستان در زبان فارسی به کار می‌رفته‌اند و در مسیر تحول و تطور، جای خود را در جمله به قید، صفت، اسم و یا گروه حرف اضافه‌ای سپرده‌اند (طاهری ۱۳۳). به عبارتی دیگر در تحول تاریخی، فعل‌های مرکب زبان فارسی معاصر جایگزین بسیاری از فعل‌های پیشوندی مربوط به دوران اولیه تکوین زبان فارسی شده‌اند (همان‌جا).

ساخت فعل‌های پیشوندی یکی از مهمترین شیوه‌های واژه‌سازی در زبان آلمانی است. در این نوع واژه‌سازی، مبنای اشتقاق از منظر معنایی و نحوی و یا یکی از این دو سطح تغییر می‌کند. به این منظور تعداد زیادی پیشوند اغلب در ابتدای فعل ساده به کار می‌روند. از منظر نحوی ممکن است پیشوندهای فعلی تغییری در ظرفیت مبنای اشتقاق ایجاد کنند. همچنین ممکن است معنای فعل‌های پیشوندی تعدیل شود و یا به تعبیری دیگر جنبه واژگانی آن‌ها تغییر نماید (لوده ۲۲۹-۲۳۱).

برخی از دستورنویسان بر این باورند که تکواژهای بر، در، باز، فرا، فرو، وا و ور حرف اضافه‌اند و کل ساخت حاصل از آن‌ها فعل مرکب است. این باور قابل قبول نیست، زیرا تکواژهای باز، فرا، فرو، وا و ور در نحو زبان فارسی هرگز به شکل حرف اضافه به کار نرفته و نمی‌روند و دو تکواژ بر و در تنها در

پیشوندی اغلب فعل‌های ساده و در مواردی اسم‌ها و صفت-
ه‌ایند. جزء تفکیک‌پذیر فعل‌ها، برای مثال ab- در
abfahren، به سبب جدایی نحوی، یعنی به علت این‌که این
جزء در تصریف به پایان جمله منتقل می‌شود، پیشوند تلقی
نمی‌شود.

در زبان آلمانی، پیشوندهای فعلی بومی^۴ شامل گروه be-،
ent-، er-، ver-، zer- و miss- و پیشوندهای فعلی غیر
بومی شامل گروه de-، in-، ko-، re-، ex-، prä-، per-،
sub- و trans- هستند (لوده ۲۳۲-۲۳۸ و فلایشتر/بارتس
۳۹۵-۳۹۶). این دو گروه در شکل گفتاری تنها به شکل پیشوند
به کار می‌روند، یعنی هر دو گروه فاقد هم‌آوا یا هم‌نام
(homonym) برای مثال در شکل جزء تفکیک‌پذیر فعل و یا
حرف اضافه می‌باشند. برعکس، تکواژهای durch، um،
über، wider و unter علاوه بر این‌که در شکل گفتاری با
پیشوندهای تفکیک‌ناپذیر فعلی durch-، um-، wider-،
über- و unter- هم‌آوایند، به شکل جزء تفکیک‌پذیر فعل و
به شکل حرف اضافه نیز به کار می‌روند (لوده ۲۲۹-۲۶۸ و
فلایشتر/بارتس ۳۸۳ و ۳۹۲). به طور کلی در زبان آلمانی تعداد
۲۰ نوع پیشوند فعلی و ۴ نوع پسوند فعلی یافت می‌شود.

پیشوندهای زبان آلمانی بیشتر دارای مشخصه اسمی‌اند و حکم
اسم یا صفت را برای فعل دارند و کارکرد آن‌ها ایجاد معنا و
مفهومی تازه در فعل است. در فعل‌های پیشوندی، کارکرد
اسمی یا صفتی پیشوندها نسبت به کارکرد قیدی از بالاترین
بسامد برخوردار است. در این زبان کارکرد قیدی که در زبان
فارسی از طریق فعل‌های پیشوندی بیان می‌شوند، بیشتر
به عهده فعل‌های تفکیک‌پذیر است، برای مثال به عهده فعل‌های
تفکیک‌پذیر جهت حرکت است که فقدان آن‌ها در زبان فارسی
از طریق معادل‌گزینی با سایر ابزار زبانی واژگانی و صرفی-

ممکن است تکواژهای پیشوندی در معنای فعل ساده تأثیر
بگذارد و در نتیجه معنای فعل پیشوندی تغییر نماید، مانند
تفاوت معنایی بین (۱۰-الف) و (۱۰-ب).

معنا:	فعل ساده/پیشوندی:	
'بستن،	schließen	(۱۰-الف)
'تصمیم گرفتن،	beschließen	(۱۰-ب)

گاهی نیز فعل ساده و فعل پیشوندی به یک معنا به کار می‌روند،
یعنی به اعتبار هم‌زمانی تغییر معنایی در فعل پیشوندی ایجاد
نمی‌شود، مانند هم‌معنایی بین (۱۱-الف) و (۱۱-ب).

معنا:	فعل ساده/پیشوندی:	
'گرم کردن،	heizen	(۱۱-الف)
'گرم کردن،	beheizen	(۱۱-ب)

اشتقاق از رهگذر پیشوند و ساخت فعل‌های تفکیک‌پذیر
(particle verbs) از پربسامدترین شیوه‌های واژه‌سازی در
ساخت فعل زبان آلمانی به شمار می‌روند. فلایشتر و بارتس
(۳۸۰) بر این باورند که در زبان آلمانی بندرت فعل ساده‌ای
یافت می‌شود که پیشوند و یا جزء تفکیک‌پذیر نپذیرد. بر
عکس، مبنای فعلی بعضی از فعل‌های پیشوندی، به شکل فعل
ساده در زبان امروزی رایج نیست، مانند فعل پیشوندی
vergessen که فاقد فعل ساده *gessen می‌باشد.
پیشوندهای فعل‌های پیشوندی تفکیک‌پذیر نیستند و تکیه
نمی‌پذیرند. فعل‌های پیشوندی در بسیاری از موارد ظرفیت
فعل‌های ساده را تغییر می‌دهند. مبنای اشتقاق در فعل‌های

لازم به یادآوری است که فقط پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی^{۴۴}
در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرند.

blühen	→	verblühen	(پژمرده شدن)	(ج-۱۲)
folgen	→	verfolgen	(تعقیب کردن)	(د-۱۲)

نحوی، همانند فعل‌های مرکب، جبران می‌شود.^۵ در جدول (۳) با برخی از مشتقات فعل **steigen** که خود از نظر سمت و سوی حرکت ختشی است، آشنا می‌شویم.

در زبان آلمانی معانی واژه‌سازی آغازین و غایی فقط از رهگذر فعل‌های پیشوندی میسر است. سایر معانی واژه‌سازی در فعل‌های پیشوندی که از مقوله فعل مشتق شده باشند، کنشی را در رابطه با معنای ستاک فعلی به مفهوم مکان (۱۳-الف)، سهو (۱۳-ب)، تضاد (۱۳-ج)، شدت (۱۳-د)، انهدام (۱۳-ه) و یا انحراف از هنجار (۱۳-و) بیان می‌کنند (فلایشر/بارتس ۳۸۲). پیشوند **ent-** در (۱۳-الف) به مفهوم حرکت به سمت دور است. پیشوند **miss-** در (۱۳-ب) بیانگر نوعی کنش معکوس است. پیشوند **ver-** در (۱۳-ج) به این مفهوم است که فعل پیشوندی متضاد فعل ساده است. پیشوند **be-** در (۱۳-د) بیانگر شدت در فعل پیشوندی است؛ در موارد دیگر نوعی تماس را بیان می‌کند. پیشوند **zer-** در (۱۳-ه) بیانگر کنش کاملی است که در آن چیزی به شدت منهدم می‌شود. پیشوند تفکیک‌ناپذیر **über-** در (۱۳-و) بیانگر کنش افراطی است.

laufen	→	entlaufen	(گریختن)	(الف-۱۳)
verstehen	→	missverstehen	(غلط/بد فهمیدن)	(ب-۱۳)
lernen	→	verlernen	(فراموش کردن)	(ج-۱۳)
strafen	→	bestrafen	(مجازات کردن)	(د-۱۳)
stören	→	zerstören	(ویران کردن)	(ه-۱۳)

جدول (۳)

فارسی:	آلمانی:
پیاده شدن از/پایین آمدن از	(ab-): <i>absteigen</i>
بالا آمدن/افزایش یافتن	(an-): <i>ansteigen</i>
سوار شدن/بلند شدن	(auf-): <i>aufsteigen</i>
سوار شدن/داخل جایی شدن	(ein-): <i>einsteigen</i>
پیاده شدن از/بیرون آمدن از	(aus-): <i>aussteigen</i>

چنانچه معانی واژه‌سازی در فعل‌های پیشوندی زبان آلمانی را بررسی نماییم، متوجه خواهیم شد که در (۱۲-الف) یا (۱۲-ب) با فعل آغازین، ولی در (۱۲-ج) یا (۱۲-د) با فعل غایی مواجه هستیم. پیشوند **er-** در (۱۲-الف) بیانگر آغاز موفق و پیشوند **ver-** در (۱۲-د) بیانگر پایان موفق کنش فعل است.

blühen	→	erblühen	(شکوفه شدن، شکفتن)	(الف-۱۲)
brennen	→	entbrennen	(شعله‌ور شدن جنگ)	(ب-۱۲)

گاهی فعل‌های پیشوندی، مبنای اشتقاق در فعل‌های تفکیک‌پذیرند،^۵ **anerkennen** در **merkennen**.

در این نوع از فعل‌های پیشوندی معانی واژه‌سازی زیر مشهود است (همان‌جا ۳۸۳): (۱۶-الف) حاوی معنای افزودگی، (۱۶-ب) معنای زدایش و (۱۶-ج) معنای آراستگی است.

گروه‌واژه مفعولی:	فعل متعدی:
einen Auftrag erteilen	→ beauftragen (مأموریت دادن به)
die Gräten aus einem Fisch entfernen	→ entgräten (تیغ ماهی را جدا کردن)
mit Wasser versorgen	→ bewässern (آبیاری کردن)

۳- فعل‌های پیشوندی از گروه‌واژه‌های غیر مفعولی حرف اضافه‌ای مشتق می‌شوند، مانند (۱۷) که معنای واژه‌سازی سببی را در بردارد.

گروه‌واژه حرف اضافه‌ای:	فعل متعدی:
zu Schrott machen	→ verschrotten (اسقاط کردن ماشین)

در این نوع از فعل‌های پیشوندی معانی واژه‌سازی زیر مشاهده می‌شود (همان‌جا ۳۸۳): در معنای آغازین چیزی به‌اسم مبدل می‌شود (۱۸-الف) و یا کسی ویژگی صفت را می‌پذیرد (۱۸-ب). در معنای سببی، کسی را به‌اسم منتسب و تبدیل می‌کنیم (۱۸-ج) و یا چیزی را با ویژگی صفت دگرگون می‌کنیم (۱۸-د).^۶ در معنای ابزارری چیزی را به‌کمک اسم می‌بندیم (۱۸-ه).

(۱۳-و) (بیش از حد کود دادن) düngen → überdüngen

معانی واژه‌سازی آن‌دسته از فعل‌های پیشوندی که از اسم و صفت مشتق شده باشند، براساس مشخصه‌های صرفی‌نحوی مبنای اسمی یا صفتی در نوعی دگرگفت یا تأویل (paraphrase) دسته‌بندی می‌شوند. این دگرگفت‌ها به‌سه گروه تقسیم می‌شوند (فلاشر/بارتس ۳۸۲-۳۸۳):

۱- فعل‌های پیشوندی از گروه واژه‌های اسمی مشتق می‌شوند، به‌نحوی که مبنای اسمی نقش مسند فاعلی یا فاعل را به‌عهده دارد (۱۴-الف). گاهی فعل‌های مبدل از صفتی که نقش قیودی دارد، مشتق می‌شوند (۱۴-ب). هر دو مورد در (۱۴) بیانگر معنای کنشگرند.

فعل پیشوندی:	مبنای اسمی/صفتی:
bewirten (پذیرایی/میزبانی کردن)	→ sich verhalten wie ein Wirt (الف) (۱۴)
schnellen (پریدن/جهیدن)	→ sich schnell bewegen (ب) (۱۴)

۲- فعل‌های پیشوندی از گروه‌واژه‌های مفعولی رایج و یا گروه‌واژه‌های مفعولی حرف اضافه‌ای مشتق می‌شوند (۱۵).

گروه‌واژه مفعولی: فعل متعدی:

(۱۵) Henkel an der Tasche anbringen → die Tasche behenkeln

(کیف را دسته زدن/ دسته به‌کیف نصب کردن)

^۶ تعریف عام از فعل سببی: شخصی، دیگری را به انجام کاری وامی‌دارد و یا عملی سبب پیدایش عمل دیگری می‌شود.

در این بخش فعل‌های پیشوندی و انواع هفتگانه پیشوندهای فعلی اشتقاقی زبان فارسی را با فعل‌های پیشوندی و انواع ششگانه پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی مقایسه می‌کنیم. به‌طور کلی، فعل‌های پیشوندی و پیشوندهای فعلی هر دو زبان دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند. از این جهت آن‌ها را در چارچوب دو مؤلفه هم‌گرایی (convergence) و واگرایی (divergence) تبیین می‌نماییم. شایان یادآوری است که تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی در این خصوص انجام نشده است.

فعل متعدی: گروه‌واژه حرف اضافه‌ای:

zum Sumpf werden	→	versumpfen	(به باتلاق تبدیل شدن)	۱۸-	(الف)
plötzlich im Gesicht rot werden	→	erröten	(سرخ/برافروخته شدن چهره)	۱۸-	(ب)
zum Sklaven machen	→	versklaven	(برده کردن، به‌بردگی کشاندن)	۱۸-	(ج)
mit etwas edel/edler machen	→	veredeln	(اصیل/ناب/مرغوب کردن)	۱۸-	(د)
mit einer Kette zusammenbinden	→	verketten	(به‌هم بستن و متصل کردن)	۱۸-	(ه)

۱،۳،۲. هم‌گرایی:

فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی اشتقاقی زبان فارسی با فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی زبان آلمانی دارای شباهت‌های زیرند:

۱- اگر فعل‌های پیشوندی زبان فارسی را با فعل‌های پیشوندی زبان آلمانی مقایسه کنیم، در وهله نخست ممکن است فعل‌های پیشوندی هر دو زبان از منظر معنایی نسبت به فعل‌های ساده متناظر خود تغییر نمایند، برای مثال در (۲۰-الف) و (۲۰-ب).

دگرگفت برای فعل‌های مبدل (همانجا ۴۳۴-۴۳۷) و فعل‌های پسوندی مختوم به پسوند -ier (که -isier و -ifizier گونه‌های دیگر آن هستند) نیز صادق است. برای مثال می‌توان فعل مبدل pfeffern را با دگرگفت (۱۹-الف) بیان نمود و همچنین فعل پسوندی motorisieren را با دگرگفت (۱۹-ب) یا kanalisieren را با دگرگفت (۱۹-ج) بیان نمود. هر سه فعل فوق‌الذکر دارای معنای واژه‌سازی آراستگی هستند.

mit Pfeffer würzen/Pfeffer dazugeben	(۱۹-الف)
mit einem Motor versehen	(۱۹-ب)
mit einer Kanalisation versehen	(۱۹-ج)

معنا:	فعل پیشوندی:	معنا:	فعل ساده:
(۲۰-الف)	درگذشتن	←	گذشتن
	مردن		عبور کردن،

معنا:	فعل پیشوندی:	معنا:	فعل ساده:
(۲۰-ب)	گفتن	→	از عهده‌ی کاری برنیامدن،
	sagen		versagen

۳،۲. مقایسه فعل‌های پیشوندی دو زبان

فراگرفتن	فارسی:	(۲۱-الف)
erfassen	آلمانی:	(۲۱-ب)

۲- پیشوندهای فعلی بومی در زبان آلمانی و اغلب پیشوندهای فعلی زبان فارسی با هیچ مقوله دیگری همانند حرف اضافه و یا جزء تفکیک‌پذیر فعل هم‌آوا نیستند. جدول (۴) گویای این هم‌گرایی است:

جدول (۴)

زبان:	تکواژ:	پیشوند:	حرف اضافه:	جزء تفکیک-پذیر:
آلمانی:	ent, be, ver, er, zer, miss	+	-	-
فارسی:	باز، فرا، فرو، وا، ور	+	-	+
	بر، در	+	+	
فارسی:				

۴- در خصوص معانی واژه‌سازی، پیشوندهای فعلی زبان فارسی با برخی از پیشوندهای فعلی زبان آلمانی هم‌پوشانی دارند. شایان ذکر است که ممکن است هر پیشوند فعلی در هر یک از دو زبان حاوی یک یا چند معنای واژه‌سازی مختلف باشد. تحلیل تقابلی معانی واژه‌سازی در پیشوندهای فعلی در مواردی گویای چند بعدی بودن آن‌هاست:

* در معنای انهدام، پیشوندهای فارسی بر- (۲۲-الف) و ور- (۲۲-ب) در زبان آلمانی با پیشوند بومی zer- (۲۲-ج) هم‌پوشانی دارند.

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
بر-	برچیدن	از میان بردن،
ور-	ورافتادن	از بین رفتن،
zer-	zerschlagen	تخرید کردن، شکاندن،

* در معنای آغازین، پیشوندهای فارسی در- (۲۳-الف) و فرا- (۲۳-ب) در زبان آلمانی با پیشوندهای بومی ent- (۲۳-ج) و er- (۲۳-د) هم‌پوشانی دارند.

بنابراین از جمله شباهت‌های دو زبان این است که پیشوندهای فعلی بومی در زبان آلمانی و اغلب پیشوندهای فعلی زبان فارسی با هیچ مقوله دیگری هم‌آوا نیستند.

۳- پیشوندهای فعلی هیچ یک از دو زبان تکیه نمی‌پذیرند، برای مثال در (۲۱-الف) که آخرین هجا تکیه می‌پذیرد و در (۲۱-ب) که هجای دوم تکیه دارد.

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
در-	درگرفتن	آغاز کردن،
فرا-	فرارسیدن	نزدیک شدن،
ent-	entbrennen	شعله‌ور شدن، خشمگین شدن،
er-	erblühen	شکوفه زدن، شکفتن،

مصدر فعل پیشوندی:

زبان:

* در معنای غایی، پیشوند فارسی در- (۲۴-الف) در زبان آلمانی با پیشوندهای بومی ver- (۲۴-ب) و er- (۲۴-ج) هم‌پوشانی دارد.

* در معنای مکانی (به سمت بالا)، پیشوند فارسی بر- (۲۷-الف) در زبان آلمانی با پیشوند er- (۲۷-ب) هم‌پوشانی دارد.

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:	پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
(۲۷-الف)	بر-	پیشوند:	(۲۷-الف)	برداشتن	معنا: 'بلند کردن،
(۲۴-الف)	در-	پیشوند:	(۲۷-ب)	erbauen	معنا: 'احداث کردن، برپا کردن،
(۲۴-ب)	ver-	پیشوند:	er-	erarbeiten	معنا: 'پیمودن/سپری کردن،
(۲۴-ج)	er-	پیشوند:	er-	erarbeiten	معنا: 'از گرسنگی مردن،
					معنا: 'با تلاش به دست آوردن،

* در معنای مکانی (به سمت پایین)، پیشوند فارسی فرو- (۲۸-الف) در زبان آلمانی با جزء تفکیک‌پذیر unter- (۲۸-ب) هم‌پوشانی دارد.

* در معنای زدایش، پیشوندهای فارسی ور- (۲۵-الف) و بر- (۲۵-ب) در زبان آلمانی با پیشوند بومی ent- (۲۵-ج) هم‌پوشانی دارند.

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:	پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
(۲۸-الف)	فرو-	پیشوند:	(۲۸-الف)	فروریختن	معنا: 'به پایین ریختن،
(۲۵-الف)	ور-	پیشوند:	(۲۸-ب)	untertauchen	معنا: 'فرورفتن در آب،
(۲۵-ب)	بر-	پیشوند:	ent-	entstören	معنا: 'کنده شدن،
(۲۵-ج)	ent-	پیشوند:	ent-	entstören	معنا: 'جدا کردن،
					معنا: 'پارازیت رادیو را رفع کردن،

* در معنای شدت، پیشوند فارسی در- (۲۹-الف) در زبان آلمانی با پیشوندهای بومی be- (۲۹-ب) و ver- (۲۹-ج) هم‌پوشانی دارد.^۷

* در معنای مکانی (جابجایی به سمت بیرون) پیشوند فارسی در- (۲۶-الف) در زبان آلمانی با پیشوندهای بومی ent- (۲۶-ب) و ver- (۲۶-ج) هم‌پوشانی دارد.

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:	پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
(۲۹-الف)	در-	پیشوند:	(۲۶-الف)	درآوردن	معنا: 'بیرون آوردن،
(۲۹-ب)	be-	پیشوند:	(۲۶-ب)	entladen	معنا: 'تخلیه کردن بار،
(۲۹-ج)	ver-	پیشوند:	(۲۶-ج)	versetzen	معنا: 'جابجا کردن،
					معنا: 'درآوردن،

^۷ شایان یادآوری است که ممکن است پیشوند زیر در وهله نخست ظرفیت فعل را به اعتبار نحوی تغییر دهد و در وهله بعد معنای فعل پیشوندی را تغییر دهد: be-

شایان ذکر است که پیشوند *ver-* در بعضی موارد معنای مبنای فعلی را منفی می‌کند. در چنین معنای متضادی، پیشوند *ver-* در برخی موارد با پیشوند *miss-* کاربرد مشابه‌ای دارد و برای مثال فعل پیشوندی *verachten* (حقیر شمردن) با *missachten* (نادیده گرفتن؛ خوار شمردن) هم‌معناست (لوده ۲۳۷ و فلایشر/بارتس ۳۹۰).

* در معنای ضعف و ناتوانی، پیشوندی در زبان آلمانی یافت نمی‌شود که با پیشوند زبان فارسی *و-* (۳۱) هم‌پوشانی داشته باشد.

* در معنای تکرار، پیشوندهای فارسی *باز-* (۳۰-الف) و *بر-* (۳۰-ب) در زبان آلمانی با پیشوند غیر بومی *re-* (۳۰-ج) هم‌پوشانی دارند.

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
(۳۰-الف)	بازگرداندن	پس دادن،
(۳۰-ب)	برگرداندن	پس آوردن،
(۳۰-ج)	reproduzieren	تکثیر کردن،

پیشوند: و- (۳۳)
فعل پیشوندی: وارفتن
معنا: سست و بی‌حال شدن،

* در معنای تضاد، پیشوندی در زبان فارسی یافت نمی‌شود که در زبان آلمانی با پیشوندهای بومی *ent-* (۳۱-الف) و *ver-* (۳۱-ب) و همچنین با پیشوند غیر بومی *de-* (۳۱-ج) هم‌پوشانی داشته باشد.

۲،۳،۲. واگرایی:

فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی اشتقاقی زبان فارسی با فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی زبان آلمانی دارای تفاوت‌های زیرند:

۱- در وهله نخست مشاهده می‌کنیم که پیشوندهای فعلی زبان فارسی فاقد تغییرات نحوی در ظرفیت فعل‌های مشتق‌اند. به عبارتی دیگر چنانچه در زبان فارسی فعل ساده لازم باشد، فعل پیشوندی نیز لازم است (۳۴-الف) و اگر فعل ساده متعدی باشد، فعل مشتق از آن نیز متعدی است (۳۴-ب).

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
(۳۱-الف)	entwaffnen	تخلع سلاح کردن،
(۳۱-ب)	vertagen	به تعویق انداختن،
(۳۱-ج)	demotivieren	بی‌انگیزه کردن،

* در معنای سهو و خطا، پیشوندی در زبان فارسی یافت نمی‌شود که در زبان آلمانی با پیشوند بومی *miss-* (۳۲) هم‌پوشانی داشته باشد.

پیشوند:	فعل پیشوندی:	معنا:
(۳۲)	missbrauchen	سوء استفاده کردن،

فعل لازم:	معنا:	فعل لازم:	معنا:
ماندن	توقف کردن،	درماندن	عقب

Mann	(مرد)	→	sich ermannen	(به خود جرأت دادن)	(۳۷-) (ب)	ماندن،	فعل متعدی:	معنا:	فعل متعدی:	معنا:	(الف)
nein	(نه)	→	beneinen	(انکار کردن)	(ج-۳۷)	گرفتن	متعدی:	گرفتن	دریافت کردن،	← برگرفتن	(۳۴-)
ginn(en)	(-)	→	beginnen	(شروع کردن)	(د-۳۷)	بلند کردن،	(ب)				

بر عکس، در زبان آلمانی ممکن است فعل ساده لازم و فعل

مشتق از آن متعدی باشد (۳۵).

۳- تعداد انواع پیشوندهای فعلی اشتقاقی زبان فارسی به ۷ نوع محدود می‌شود، در حالی که تعداد انواع پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی ۶ نوعند و در کل مجموعه انواع پیشوندهای فعلی زبان آلمانی، اعم از بومی، غیر بومی و تفکیک‌ناپذیر، بالغ بر ۲۰ نوع می‌باشند. جدول (۵) حاوی مقایسه پیشوندهای فعلی دو زبان است.

wohnen	(زندگی کردن)	→	bewohnen	(زندگی کردن)	(۳۵)	فعل متعدی:	فعل لازم:
--------	-----------------	---	----------	-----------------	------	------------	-----------

بنابراین از جمله تفاوت‌های دو زبان این است که پیشوندهای فعلی زبان فارسی هیچ‌گونه تغییرات نحوی در ظرفیت فعل پیشوندی ایجاد نمی‌کنند.

جدول (۵)

پیشوندهای فعلی زبان آلمانی:			پیشوندهای فعلی زبان فارسی:		
تفکیک- ناپذیر	غیر بومی	بومی			
۵	۹	۶	۷	تعداد:	
۲۰			۷	مجموع:	

۲- فعل‌های پیشوندی زبان فارسی تنها از فعل ساده مشتق می‌شوند (۳۶).

افتادن	←	درافتادن	'حمله‌ور شدن،	(۳۶)
--------	---	----------	---------------	------

بر عکس، فعل‌های پیشوندی زبان آلمانی علاوه بر فعل ساده از صفت (۳۷-الف)، اسم (۳۷-ب)، ادات (۳۷-ج) و تکواژ بی‌همتا (۳۷-د) نیز مشتق می‌شوند.

۴- پیشوندهای فعلی زبان فارسی بیشتر ویژگی فعلی، یعنی حکم قید را برای فعل دارند (۳۸-الف)، در حالی که پیشوندهای فعلی زبان آلمانی بیشتر ویژگی اسمی، یعنی حکم اسم یا صفت را برای فعل دارند (۳۸-ب).

frei	(آزاد)	→	befreien	(آزاد کردن)	(۳۷-)	فعل پیشوندی:	واژه مبنا:
------	--------	---	----------	-------------	-------	--------------	------------

(الف)

۱- ممکن است معنای فعل‌های پیشوندی هر دو زبان نسبت به فعل‌های ساده متناظر خود تغییر نمایند.

۲- پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی و اغلب پیشوندهای فعلی زبان فارسی با هیچ مقوله دستوری دیگری هم‌آوا نیستند.

۳- پیشوندهای فعلی هیچ یک از این دو زبان تکیه نمی‌پذیرند.

۴- در خصوص معانی واژه‌سازی، پیشوندهای فعلی زبان فارسی با برخی از پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی هم‌پوشانی دارند.

بر عکس، فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی اشتقاقی زبان فارسی با فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی در مواردی دیگر از مختصات واگرایی برخوردارند:

۱- پیشوندهای فعلی زبان فارسی، بر خلاف پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی، فاقد قابلیت تغییرات نحوی در ظرفیت فعل‌های پیشوندیند.

۲- فعل‌های پیشوندی زبان فارسی تنها از فعل ساده مشتق می‌شوند، در حالی که فعل‌های پیشوندی زبان آلمانی علاوه بر فعل ساده از سایر مقولات دستوری مانند اسم و صفت نیز مشتق می‌شوند.

۳- تعداد انواع پیشوندهای فعلی اشتقاقی زبان فارسی بیش از تعداد انواع پیشوندهای فعلی بومی زبان آلمانی است.

۴- پیشوندهای فعلی زبان فارسی بیشتر ویژگی فعلی و کارکرد قیدی دارند، در حالی که پیشوندهای فعلی زبان آلمانی بیشتر ویژگی اسمی و کارکرد اسمی دارند.

۵- با توجه به تقابل فعل‌های اشتقاقی دو زبان، زبان فارسی فاقد فعل‌های پسوندی است، در حالی که زبان آلمانی دارای چهار نوع پسوند فعلی می‌باشد.

(۳۸- رفتن دور شدن، ← فرورفتن پایین رفتن، (الف)

(۳۸- (کتمان verschweigen → (سکوت schweigen (ب) کردن)

آنچه در زبان فارسی با فعل پیشوندی (۳۹-الف) بیان می‌شود، در زبان آلمانی با فعل تفکیک‌پذیر (۳۹-ب) ادا می‌شود. در (۳۹) هر دو فعل پیشوندی و تفکیک‌پذیر کارکرد قیدی دارند.

(۳۹-الف) برخاستن بلند شدن،

(۳۹-ب) aufstehen بلند شدن،

۵- چنانچه به مقایسه فعل‌های اشتقاقی (پیشوندی و پسوندی) دو زبان پردازیم، در مجموع خواهیم دید که فارسی فاقد فعل‌های پسوندی است، در حالی که آلمانی دارای چهار نوع پسوند فعلی برای مثال در فعل‌های پسوندی 'lächeln', 'amtieren' و 'folgen' می‌باشد.

۳. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، فعل‌های پیشوندی زبان فارسی و آلمانی را با هم مقایسه نمودیم. بر اساس یافته‌های تحقیق، فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی اشتقاقی زبان فارسی با فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی زبان آلمانی در مواردی دارای مؤلفه‌های هم‌گرایی هستند:

به نظر می‌رسد که میزان مؤلفه‌های هم‌گرایی و واگرایی نسبت به هم تقریباً متعادلند و نمی‌توان استدلال نمود که فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی دو زبان دارای وجوه اشتراک یا افتراق حداکثری هستند. بنابراین فعل‌های پیشوندی و نظام پیشوندهای فعلی هر دو زبان در مواردی مشترکند و در مواردی دیگر متفاوتند.

امید است که نوشته حاضر برای این‌گونه از مطالعات زبانی الگویی مفید باشد و پژوهشگران زبان سایر مقولات دو زبان را نیز از منظر تقابلی مورد بررسی قرار دهند.

۴. منابع

ارژنگ، غلامرضا. *دستور زبان فارسی امروز*. چاپ پنجم. تهران: نشر قطره، ۱۳۸۷.

البرزی، پرویز. *دستور چالشی زبان فارسی*. تهران: انتشارات بازتاب، ۱۳۹۴.

نوبهار، مهرانگیز. *دستور کاربردی زبان فارسی*. تهران: انتشارات رهنما، ۱۳۷۲.

وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، (۱۳۸۶ [۱۳۷۹]).

طاهری، حمید. *بررسی تحلیلی و تاریخی فعل‌های پیشوندی در زبان فارسی*. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی باهنر. پیاپی ۱۸، شماره ۱۱۳، ۲۱-۱۳۵، ۱۳۸۶.

Fleischer, Wolfgang & Irmhild Barz. *Wortbildung der deutschen Gegenwartssprache*. Tübingen: Niemeyer/De Gruyter, 2012.

Heringer, Hans Jürgen. *Morphologie*. Paderborn: Wilhelm Fink, 2009.

Lohde, Michael. *Wortbildung des modernen Deutschen: Ein Lehr- und Übungsbuch*. Tübingen: Gunter Narr Verlag, 2006.

Römer, Christine. *Morphologie der deutschen Sprache*. Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag, 2006.

Donalies, Elke. *Die Wortbildung des Deutschen: Ein Überblick*. Tübingen: Gunter Narr Verlag, 2002.

Donalies, Elke. *Basiswissen Deutsche Wortbildung*. Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag, 2۰۰۷.

Elsen, Hilke. *Grundzüge der Morphologie des Deutschen*. Berlin/Boston: Walter de Gruyter, 2011.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی